

پرسش ۷۷: داستان مریم ع در آیهی «و اذکر فی الكتاب مریم... تحتک
سریاً» (مریم: ۱۶-۲۴).

السؤال / ۷۷: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

هذه مجموعة أسئلة من أخوتي أنصار الله في مدينة الرفاعي وليست خاصة بي:

قال تعالى: (وَإِذْ كُرِيَ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمُ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا * فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا * قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا * قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا * قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا * قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا * فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا * فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَّسِيًّا * فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا) [275].

بسم الله الرحمن الرحيم، و الحمد لله رب العالمين.

مجموعه‌ای از سؤالات از طرف برادران انصار در شهر رفاعی است و فقط از جانب

من نمی‌باشد:

خداوند متعال می‌فرماید: «در این کتاب مریم را یاد کن، آنگاه که از خاندان خویش به مکانی رو به سوی بر آمدن آفتاب، دوری گزید * میان خود و آنان حجابی کشید. ما روح خود را نزدش فرستادیم و چون انسانی کامل، بر او نمودار شد * مریم گفت: از تو به خدای رحمان پناه می‌برم اگر، پرهیزگار باشی * گفت: من فقط فرستاده‌ی پروردگار تو هستم تا تو را پسری پاکیزه ببخشم * گفت: چگونه مرا فرزندی باشد، حال آنکه هیچ بشری مرا لمس نکرده است و من بدکاره هم نبوده‌ام * گفت: پروردگار تو اینچنین گفته است: این برای من آسان است. ما آن پسر را برای مردم آیتی و بخشایشی از سوی خودمان قرار می‌دهیم و این امری است که به آن حکم رانده شده است * پس به او آبستن شد و او را با خود به مکانی دور افتاده برد * درد زاییدن، او را به سوی تنه‌ی درخت خرمايي کشانید. گفت: ای کاش پیش از این مرده و از یادها فراموش شده بودم

* کودک از زیر او ندا داد: ناراحت مباش، پروردگارت از زیر پای تو جوی آبی روان ساخت» [276].

س ۱: ما هو الحجاب الذي اتخذته مريم في الآية ۱۷؟

سوال ۱: حجابی که حضرت مریم در آیه ۱۷ برگرفت، چه حجابی بود؟

س ۲: من هو روحنا الوارد في الآية، ولماذا تمثل لها بشراً بالذات لتطمئن فقط أم هو لسبب آخر؟

سوال ۲: «روح ما» که در آیه آمده است، کیست و چرا مانند انسان ظاهر شد؟ آیا فقط برای اینکه اطمینان و آرامش یابد، یا سبب دیگری داشت؟

س ۳: كيف يهب لها هل عن طريق الزواج أو نفخ، وهل النفخ مادي أو روعي، وماهي كيفية الحمل وما هي مدة الحمل وكيفية عدم اكتشاف الحمل وهل الحمل بصورة طبيعية؟

سوال ۳: چگونه به وی بخشیده شد؟ آیا از طریق ازدواج یا نفخه؟ آیا نفخه مادی بود و یا روحانی؟ کیفیت بارداری چگونه بود و مدت زمان بارداری چقدر بود؟ چگونه بارداری آشکار نشده بود؟ آیا بارداری به صورت طبیعی بوده است؟

س ۴: (قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا الآية) هل من ألم المخاض أم خوفاً؛ لأنها ولدتها من غير أب، أم لأسباب أخرى؟

سوال ۴: «قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا...» (ای کاش پیش از این مرده بودم....)؛ آیا از درد زایمان بود یا از ترس اینکه بدون پدر او را زاییده بود، و یا علت دیگری داشت؟

ملاحظة: هذه الأسئلة موجهة من شيخ حمود الكناني إلى السيد (ع).

المرسل: إبراهيم رغيل

توجه: این سؤال ها از طرف شیخ حمود کنانی برای سید(ع) مطرح شده است.

فرستنده: ابراهیم رگیل

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

ج ۱: حجاب مریم(ع) كان محراب العبادة حيث كانت تصلي منفردة عن الناس.

جواب سوال ۱: حجاب مریم(ع) محراب عبادت بود؛ چرا که تنها و دور از مردم نماز می خواند.

ج ۲: سیأتي تفصيل الكلام في الروح في كتاب «يسألونك عن الروح»، أما تمثله بشراً فأحد أسبابه الاطمئنان.

جواب سوال ۲: تفاصيل این مطلب در کتاب «یسألونک عن الروح» (از تو درباره ی روح می پرسند) خواهد آمد. اما یکی از علت های ظاهر شدن وی به صورت انسان به جهت اطمینان بخشیدنش بوده است.

ج ۳: النفخ هو إيصال النطفة النفسية المتعلقة بالنفس إلى رحم مریم، وهي غير النطفة المادية، ولا يحتاج إيصالها إلى الزواج، بل هي نطفة لطيفة منها تتشكل

صورة الانسان، ويمكن أن تدخل من أي مكان، من الفم، الأنف، البطن، فهي ليست مادية ليعارض ولوجها المادة.

جواب سوال ۳: نفخه (دمیدن) یعنی رسانیدن نطفه‌ی نفسانی متعلق به نفس به رحم مریم(ع). این نطفه غیر از نطفه‌ی مادی است و رسانیدن آن نیازی به ازدواج ندارد. این نطفه، نطفه‌ای لطیف است، صورت انسان را شکل می‌دهد و می‌تواند از هر مکانی وارد شود؛ از طریق دهان، بینی یا شکم. این نطفه، نطفه‌ی مادی نیست که تعارضی ایجاد کند و ماده از آن جلوگیری نماید.

عیسی(ع) ولد من أم ومن غير أب، أي إنّه (ع) يختلف عن آدم (ع) الذي خُلق من غير أب وأم. فعيسى (ع) خلقه الله في هذا العالم الجسماني من خلية كاملة أوجدها الله في رحم مریم (ع) وبالصورة الطبيعية، أي إنّها بويضة وجاءت من المبيض، ولكنها امتازت بأنّها كاملة ولا تحتاج التلقيح. فقط تحتاج الاتصال بنطفة نفسية، وقد بيّنتها في أكثر من موضع. والروح جاء بهذه النطفة النفسية وأوصلها إلى الاتصال بالخلية الكاملة التي خُلق منها عيسى (ع).

عیسی(ع) فقط از مادر و بدون پدر متولد شد؛ به عبارت دیگر خلقت او با خلقت آدم(ع) که بدون پدر و مادر متولد شد، متفاوت می‌باشد. خداوند عیسی(ع) را در این عالم جسمانی از سلول تخم کامل که در رحم مریم(ع) قرار داد و به صورت طبیعی خلق نمود؛ یعنی از تخمکی که از تخم‌دان می‌آید با این تفاوت که این سلول کامل بود و نیازی به تلقیح نداشت و فقط باید به نطفه‌ی نفسانی متصل می‌شد. من این مطلب را در چند مورد بیان نموده‌ام. روح، این نطفه‌ی نفسانی را آورد و آن را به سلول تخمی که از آن عیسی(ع) به وجود آمد، متصل نمود.

فالحالة الطبيعية أنّ النطفة المادية الجسمانية متصلة بالنطفة النفسية، والنفس تلحق النطفة النفسية وتتصل بها عند الشهر الرابع من الحمل تقريباً. أمّا في حالة عيسى(ع) فلم تكن هناك نطفة جسمانية؛ ولذا جاء الروح بالنطفة النفسية ليوصلها

بالبويضة المتكاملة (التي لا تحتاج التلقيح)؛ ليتسنى بعد ذلك للنفس المتعلقة بهذه النطفة النفسية الاتصال بها، وبالتالي الاتصال بهذا الجسم المخلوق الجديد.

به طور طبيعي، نطفه‌ی مادی جسمانی به نطفه‌ی نفسانی متصل می‌باشد و نفس به نطفه‌ی نفسانی ملحق و تقریباً در ماه چهارم بارداری به آن متصل می‌گردد. اما در مورد عیسی (ع) نطفه‌ی جسمانی وجود نداشت؛ به همین جهت روح، نطفه‌ی نفسانی را آورد تا به سلول تخم متصل نماید (سلول تخمی که نیازی به تلقیح نداشت) تا پس از آن، اتصال به نفسی که متعلق به این نطفه‌ی نفسانی بود، امکان‌پذیر گردد و در نهایت با متصل شدن به این جسم، مخلوق جدید شکل گیرد.

ومدة الحمل تسعة أشهر، ولكن الله جعله حملاً خفيفاً، فلم يكن ظاهراً بوضوح ليميزه الناس إلا في الساعات الأخيرة؛ ولذا خرجت من محرابها ومكان عبادتها وخلوتها بالله سبحانه (فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَاناً قَصِيًّا) ([277]).

مدت بارداری نه ماه است اما خداوند آن را بارداری‌ای سبک قرار داد و جز در ساعت‌های پایانی، برای مردم چیزی آشکار نبود؛ به همین دلیل از محرابش و مکان عبادتش و خلوتش با خداوند سبحان خارج شد: « پس باردار شد و او را به مکانی دور افتاده برد » ([278]).

ج ٤: مريم بعد كل هذه المسيرة مع الله والغيب والإعجاز، هل يمكن لعاقل أن يقول: إنها تخاف من الناس؟ ثم ها هي التي يتصور من يجهل الحقيقة أنها تخاف الناس لا تبالي بهم، ولا بكلامهم، بل وتأتي بعيسى (ع) وبكل هدوء لتعرضه عليهم، وهم يهاجمونها بقوة (فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئاً فَرِيًّا * يَا أُخْتُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا) ([279])، وهي لا تكلف نفسها عناء الرد عليهم (فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا) ([280]).

جواب سوال ۴: پس از این همه سیر و سلوک به همراه خداوند و غیب و اعجاز، آیا هیچ عاقلی می‌تواند بگوید: مریم از مردم ترسید؟ این تنها تصور کسی است که چیزی از حقیقت نمی‌داند که او نه از مردم می‌ترسید و نه به آنها و نه به سخنانشان اهمیتی می‌داد؛ او با کمال تأنی و آرامش عیسی (ع) را آورد تا به آنها عرضه‌اش نماید، در حالی که آنها با تمام قوا به وی حمله‌ور شده بودند: «کودک را برداشت و نزد قوم خود آورد. گفتند: ای مریم! کاری قبیح و ناپسند کرده‌ای! * ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بود و نه مادرت زنی بدکاره!» [281] و مریم (ع) حتی به خودش زحمت پاسخ دادن به آنها را نیز نمی‌دهد: «به فرزند اشاره کرد. گفتند: چگونه با کودکی که در گهواره است سخن گوئیم؟!» [282].

إِنَّ مَرْيَمَ (ع) لَمْ تَكُنْ خَائِفَةً، وَلَكِنَّهَا خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِ اللَّهِ وَمِنْ مَكَانِ عِبَادَتِهَا وَمِحْرَابِهَا وَخَلُوتِهَا مَعَ اللَّهِ بِسَبَبِ هَذَا الْحَمْلِ (فَحَمَلَتْهُ فَأَنْتَبَدَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا)، وَالْآنَ هِيَ تَلِدُ هَذَا الْمَوْلُودَ (فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنَسِيًّا) [283].

پس مریم (ع) نمی‌ترسید؛ ولی به خاطر همین بارداری از محراب و محل عبادت و خلوتش با خدای خودش خارج شده بود «پس باردار شد و او را به مکانی دور افتاده برد» و حالا او این نوزاد را به دنیا آورده بود «درد زاییدن او را به سوی تنه‌ی درخت خرمایی کشانید. گفت: ای کاش پیش از این مرده بودم و از یادها فراموش شده بودم» [284].

إِنَّ هِيَ الْآنَ أَيْقَنْتَ أَنَّهَا سَتَحْرَمُ لِلْأَبَدِ مِنْ مَكَانِ عِبَادَتِهَا، وَلَنْ تَعُودَ إِلَى مِحْرَابِهَا الَّذِي طَالَمَا تَجَلَّتْ لَهَا فِيهِ آيَاتُ اللَّهِ؛ وَلِذَا (قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنَسِيًّا) فَطَمَأْنَنُهَا بِأَنَّهُ مَلِكُ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَإِنْ فِي وِلَادَتِهِ الْفَرْجُ وَفِي الْإِنْشِغَالِ بِتَرْبِيَّتِهِ طَاعَةٌ وَعِبَادَةٌ لِلَّهِ (فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا) [285].

اکنون دیگر مریم(ع) مطمئن بود که تا ابد از مکان عبادتش محروم خواهد شد و به محرابش که آیات الهی برایش متجلی شده بود، دیگر باز نخواهد گشت. از همین رو « گفت: ای کاش پیش از این مرده بودم و از یادها فراموش شده بودم ». اما خداوند به او اطمینان داد که این نوزاد پادشاه بنی اسرائیل است و در ولادتش فرج و گشایشی برای مردم، و سرگرم شدن به تربیت او، طاعت و عبادت خداوند می باشد: « کودک از زیر او ندا داد: ناراحت مباش، پروردگارت از زیر پای تو جوی آبی روان ساخت » [286].

**هذا وأرجو أن تبغ سلامي الكثير إلى العزيز أبي علي الشيخ حمود الكناني
حفظه الله من كل سوء، وأسأل الله أن يوفقني ويرزقني الالتقاء به ورؤيته وجميع
المؤمنين هو وليي وهو يتولى الصالحين.**

این داستان مریم(ع) بود و خواهشمندم سلام گرم مرا را به عزیزم ابو علی شیخ حمود الکنانی که خداوند از هر شرّ و بدی در امانش دارد، برسانی. از خداوند متعال مسئلت دارم که توفیق زیارت و دیدارم با او و تمامی مؤمنان را نصیبم فرماید. او یاور من است و یاری گر صالحان.



[275] - مریم: 16 - 24.

[276] - مریم: 16 تا 24.

[277] - مریم: 22.

[278] - مریم: 22.

[279] - مریم: 27 - 28.

[280] - مریم: 29.

[281] - مریم: 27 و 28.

[282] - مریم: 29.

[\[283\]](#) - مريم: 23.

[\[284\]](#) - مريم: 23.

[\[285\]](#) - مريم: 24.

[\[286\]](#) - مريم: 24.